

«مرو در دائرة المعارف اسلام»^۱

نوشته: ا. یاکوبوفسکی

ترجمه: دکتر وهاب ولی

مرو یا مروالشاھجان مرکز اداری - فرهنگی ناحیه‌ای حاصلخیز بود که در بخش سفلائی رود مرغاب قرار داشت، مرو از نظر جغرافیایی نویسان عرب، از مروالرود که شهری کوچک در بخش علیای مرغاب بود، جدا و به آن نام نامیده شد.

بررسیهای و. ژوکوفسکی (V. Jukovski)، و بار تولد، در مقایسه با سایر شهرهای ایران و آسیای میانه، اطلاعات زیادی در خصوص تاریخ مرو در دسترس می‌گذارد. ولی بررسی تاریخ مرغاب سفلی تنها از روی منابع نوشتاری امکان پذیر نیست. حفاریات موجود در این باره ما را بیشتر آگاه می‌کند. اما به علت عدم وجود حفاریات مورد نظر، در حال حاضر می‌توان به اطلاعات موجود، بسنده کرد.

در دوره هخامنشیان (قرن ششم - چهارم ق. م.) منطقه مرغاب که جزو قلمرو ایران به شمار می‌رفت، ناحیه‌ای بس حاصلخیز و پر بار بود. از نوشته‌های قدیمی، و نیز نوشته‌های تاریخی و جغرافیایی که تاریخنگاران و جغرافیایی نویسان دوره اسکندر - که جنگهای او را نوشته‌اند. اطلاعات زیادی به دست می‌آید. یونانی‌ها نه تنها به وجود مردمی یکجانشین در این منطقه پی بردند، بلکه به طایفه‌ای که به کار کشت و زرع

۱. ترجمه شده از دائرة المعارف اسلام، «ترکی استانبولی»، بی تا، صص ۷۷۸-۷۷۳.

اشتغال داشتند، نیز بر خوروندند. مردم واحه مرغاب بنابه عقیده مؤلفان، دارای تاکستانهایی بودند و از صنعت شراب سازی نیز اطلاعات زیادی داشتند. ولی در این منطقه هنوز چیزی به نام شهر وجود نداشت. شهر مرو در دوره آنتیوخوس اول (۲۸۰-۲۶۱ ق. م.) بنا شد. احتمالاً دیوارهای قلعه برای حفظ زمینهای زراعی در مقابل کوچ نشینان استپ ساخته شد. درباره تاریخ ساخت و بنای شهر، چیزی که سبب تردید گردد، وجود ندارد، و اگر تردیدی نیز وجود داشته باشد، این مسئله را فقط باستان شناسی می تواند حل کند.

ساخت قدیمی ترین بنا، در منطقه مرو یعنی بنای قلعه درونی مربوط به کدام تاریخ است؟ وجود تمدنی ارضی (کشاورزی) در چند قرن قبل از میلاد، ثابت می کند که تأسیسات آبیاری مصنوعی در واحه مرغاب وجود داشته است. اما پیشرفت سریع تنها بستگی به این مسئله نداشته است. این مسئله به وجود راه کاروان رو که غرب ایران را به چین مربوط می کرد، و از مرو می گذشت، نیز بستگی دارد. کاروانهایی که در آن دوره، از غرب آسیا حرکت می کردند، از مرو گذشته، به بلخ و از آنجا نیز از شمال بدخشان عبور کرده، از وزای درواز Darvaz به الای و کاشغر و سرانجام به چین می رفتند، در دوره ساسانیان این راه تجاری رو به شمال کشیده شد.

کاروانها از مرو به چارجو (چهارجو) سمرقند و منطقه یدی سو (هفت آب) می رفتند. مرو در آن دوره بر سر راه تجاری قرار داشت، و نه تنها حالت یک انبار کالا، بلکه در عین حال شهر بزرگ را داشت. بعد از استیلای اعراب بر این منطقه، اطلاعات مادر خصوص زندگی شهرنشینی و جزئیات آن بسیار زیاد است.

با مقایسه اطلاعات تاریخنگاران عرب و جغرافی نویسان، امکان تصور چگونگی شهر مرو در آن زمان و دوره ما قبل آن، به دست می آید. برای پی بردن به نقش مرو در حیات اقتصادی آسیای میانه و آسیای غربی، ابتدا باید توجه را به نوشته های مؤلفان عرب در قرن چهارم هجری / دهم میلادی درباره تأسیسات و نحوه آبیاری معطوف داشت.

بخش مهم آب و آبیاری مرو، از یک شبکه آبیاری بس پیچیده که سد روی مرغاب تشکیل می داد، تأمین می شد. مقیاس نشان دهنده وضع آب عبارت بود از لوجه ای

چوبین که مقیاس و اندازه های کوچکتری را نیز نشان می داد و فاصله درجات آن از هم سه سانتیمتر بود.

پیشرفت اقتصادی واحه مرو تا قرن دوم - هشتم هجری قمری / هشتم - سیزدهم میلادی ادامه داشت. توان اقتصادی آسیای میانه در قرن چهارم هجری قمری / دهم میلادی با پیشرفت تجارت به صورت مبادلات تجاری، تمایز پیدا کرد. در منطقه مرو نیز به تولید مواد خام در سطحی گسترده پرداخته شد. اهالی بیشتر به تربیت کرم ابریشم می پرداختند. نیازهای اهالی به غلات از وادی کاشقه (قشقه) دریا و زرافشان تأمین می گردید. مدت کوتاهی قبل از آمدن مغولها، در خرق Kharak واقع در جنوب غربی شهر مرو، در خانه ای که به «دیوقوش» معروف بود، به بررسی چگونگی تربیت کرم ابریشم پرداخته می شد. حتی اصطخری از تولید ابریشم خام در مرو سخن می گوید (BGA, 1, ۲۶۳). دستگاههای ابریشم بافی مرو شهرت زیاد داشت. واحه مرو با پنبه ظریف خود نیز کسب شهرت کرده بود، و بنابه عقیده اصطخری به صورت خام و یا پارچه (قماش) به سرزمینهای مختلف صادر می شد. در منطقه مرو افرادی که صاحب زمینهای گسترده و زیادی بوده و درآمد زیادی برایشان داشت، وجود داشتند. بنابه عقیده طبری (ج ۲، ۱۹۵۲ و به بعد) در قرن دوم هجری / هشتم میلادی به افرادی ملوک الطوائف که روستاهای زیادی داشتند، برخورد می شود.

به علت عدم دسترسی به اسناد و مدارک حقوقی، اطلاعات ما در خصوص وضع زندگی کشاورزان اندک است. اما این موضوع روشن است که میان کشاورزان و اربابان نشان (دهقانان) مناسبات فئودالی وجود داشته است. روستاییان مالیات ارضی خود را با مواد محصولات تولیدی خود - که در زمان فتوحات اعراب نیز رایج بود - و در قرن دوم - چهارم هجری قمری / هشتم - دهم میلادی به صورت جنس یا پول نقد پرداخت می کردند. در خصوص مقدار و میزان این مالیات به نوشته و یا مأخذی برخورد نمی شود.

شهری که در یک چنین منطقه غنی و ثروتمندی به وجود آمد، بدون شک آینده درخشانی را در پیش رو داشت، و به سهولت می توان پی برد که این شهر یکی از انبارهای مهم امتعه کاروانهایی بود که از آسیای غربی و میانه، به چین و مغولستان

می رفتند که درازباد محصول و تولیدات شهر، و نیز گسترش بازارهای آن و بهره برداری از زمین نقش مهمی داشته است. امروزه در ناحیه مرو قدیمی (ترکمنستان) و در نزدیکی موضع بایرام علی، سه محل و ناحیه - در محل شهرهای قدیمی مرو - وجود دارد:

- ۱- گاوور قلعه (کافر قلعه) که در مقابل شهر قدیمی مرو زمان ساسانیان، دوره اول اسلامی بود.
- ۲- سلطان قلعه، که در غرب گاوور قلعه قرار داشت، همان شهری بود که در قرن دوم هفتم هجری قمری/هشتم - سیزدهم میلادی ساخته شده و زندگی مدنی تا قرن هفتم هجری قمری/سیزدهم میلادی در آنجا ادامه داشت و در قرن سیزدهم (۱۲۲۱ م) به دست مغولها ویران گردید.
- ۳- قلعه عبدالله خان، واقع در جنوب سلطان قلعه که در سال ۱۴۰۹ م، مجدداً از طرف شاهرخ تیموری ساخته شد. شهر مرو که از قدیم الایام مشهور بود، فقط توسط قلاع مذکور محافظت می شد.

قلعه درونی مرو و شهر و محوطه گاوور قلعه متعلق به همان دوره بود که تاریخ آن به دوره های قدیمی تر می رسد. گاوور قلعه را می توان به عنوان قدیمی ترین موضع و محل مسکون (شهرستان) آن منطقه تلقی کرد. شهر در اطراف قلعه درونی یعنی در سرای (کاخ) کسی که صاحب اراضی زیاد (فئودال - دهقان) بود، ساخته شده، خود قلعه درونی نیز بدون شک اقامتگاه یکی از فئودال ها (ملوک الطوائفها) بود. تاریخ بنای «شهرستان» از خود مرو که آنتیوخوس اول (۲۸۰-۲۶۱ ق.م) ساخت، قدیمی تر است. بنابراین فقط در سایه حفريات می توان اطلاعاتی در خصوص ساکنان اولیه قلعه درونی به دست آورد.

هنگام ورود اعراب به مرو، محله بیرونی را - که در غرب شهر قرار داشت - به همان ترتیبی که بود، یافتند، و از نظر اعراب این بخش مهمترین بخش شهر را تشکیل می داد. اعراب این بخش را «ریض» نامیدند که ابتدا تا دورترین کناره محل بازار «شهرستان» و در کنار دیوار (حصار) های غربی شهر، در محلی نزدیک به دروازه آن، گسترش داشت، و برخی از قسمتهای آن از دیوارهای شهر فراتر رفته و تا کانال رزق

کشیده می شد. اعراب مسجدی در مرکز شهر ساختند (BGA, III, ۳۱۱). در قرن سوم هجری قمری/نهم میلادی توسط مأمون به شافعیان واگذار شد. در اوایل قرن دوم هجری قمری/هشتم میلادی در زمان ابو مسلم مرکزیت... شهر تا ساحل کانال ماجان کشیده شد. در آن دوره شهر بتدریج جزو منطقه (محوطه) ریض گردید. بدین ترتیب در قرون دوم - هفتم هجری قمری/هشتم - سیزدهم میلادی، شهر مرو دیگر منحصر به همان قلعه گاوور نبود، بلکه بخشی بود واقع در منطقه ای با نام سلطان قلعه که در غرب شهر، و خرابه های سلطان قلعه همانجا بود. «شهرستان» اهمیت خود را سریع از دست نداد، بقایای شهر قدیمی که در منطقه سلطان قلعه بود. عبارت بود، از منطقه چهار گوش که از شمال سلطان قلعه به طرف جنوب کشیده می شد، و وسعت آن به نظر می رسد که محوطه ای به اندازه گاوور قلعه بوده است. شهر که حصارها و برجهایی داشت، با دیوار آجری بلندی محاط شده بود. دیوار قلعه در سالهای ۱۰۷۱-۱۰۷۰ م، بنابه فرمان ملکشاه سلجوقی ساخته شد و یکی از بناهای تاریخی یادگاری آن عصر به شمار می رود.

در زمان جغرافی نویسهای عرب، هر دو شهر به انضمام محله های حاشیه آن در چهار چوب یک دیوار قرار داشتند. بقایای حصار و دیوار شهر امروز نیز وجود دارد. در خصوص دیوارهایی که در زمان آنتیوخوس اول ساخته شد، باید گفت که بقایای آنها تا قرن چهارم هجری قمری/دهم میلادی هنوز موجود بود که اصطخری از آن با نام آرای یاد کرده است، (BGA, I, ۲۶۰).

ساخت و ساختار اجتماعی شهر مرو، هنگامی که در منطقه سلطان قلعه بود، همانند ساختار اجتماعی و اقتصادی که در تمامی منطقه آسیای میانه و آسیای غربی دیده می شد، تغییر زیادی یافته بود. زیاد شدن شهرها، پیشرفت حیات شهرنشینی، مبادله امتعه و تولیدات بین شهرها و کوچ نشینان است که سبب تغییر موقعیت و گسترش کار کاروانهای تجاری که منحصر به تهیه لوازم تزئینی بود، شد که طبقات جدیدی در جامعه به وجود آمدند.

در قرن دوم - هفتم/هشتم - یازدهم میلادی که صاحبان اولیه مرو که کوشکهایشان تا اواخر قرن ششم هجری قمری/دوازدهم میلادی در گاوور قلعه بود،

دیگر دهقانان (ملکوک الطوایف) نبودند، بلکه بازرگانان، و مأموران آریستوکرات جای آنان را گرفتند. این نیز با اینکه وابسته به زمینهای اشرافی خود بودند، ولی منبع ثروت‌های آنان دیگر، کشاورزی نبود؛ بلکه منبع ثروت و درآمد آنها تجارت، و املاکی بود که در شهر داشتند. به همان نسبت نیز در حرف و صنایع کوچک نیز تغییراتی به وجود آمد. آنها نیز دیگر تحت نفوذ سلطه دهقانان نبودند. با اینهمه در قرن سوم هجری قمری / نهم میلادی، عده‌ای بودند که مالیاتهای خود را باز هم به دهقانان می‌پرداختند. منظره شهر هم از نظر توپوگرافی، و هم از نظر معماری تغییر و دگرگونی یافت. در گاوور و قلعه، بازار در گوشه دور افتاده شهر و بخشی نیز خارج از قلعه قرار گرفته بود، ولی در ربض (سلطان قلعه) پس از آنکه حیات شهرنشینی وارد آنجا شد، بازار و دکانهای صاحبان حرف و صنعت در بخش مرکزی شهر ماند. مرو (سلطان قلعه) در قرن پنجم هجری / یازدهم میلادی، به تمام معنی، به صورت شهری در آمده بود با تمام ویژگیهای یک شهر تجارته شرقی. دو خیابان بزرگ از جنوب به شمال و از غرب به شرق از داخل می‌گذشت. در نقطه تقاطع آنها، میدان، بازار مرکزی، که سرپوشیده و دارای گنبدهایی بود، در «چهارسو» قرار داشت. بام دکانها، صاف و هموار بود. و دستگاہها و وسایل اربابان حرف و صنعت نیز همانجا بود. هر چند در برخی از نوشته‌ها از بخش‌ها (بازارهای صرافان، زرگران «جواهر فروشان»، و دباغها) سخن رفته است، ولی بافندگان، مسگران، سفالگران، کوزه‌گران و صنعتگرانی نظیر آنان، آنجا بودند. آنجا، تنها مرکز تجاری نبود، بلکه در عین حال مرکز مؤسسات دینی و اداری نیز بود. کاخ، مساجد، مدرسه و سایر ابنیه مهم، هم آنجا بودند. در شمال چهارسو، مسجد بزرگی (جامع) که در زمان ابو مسلم ساخته شده بود، اگر اطلاعاتی که یاقوت به دست داده است، صحیح باشد، تا زمان مغولها، باقی ماند، به نظر می‌رسد که این مسجد، چندین بار تجدید بنا شده است. بنا به عقیده یاقوت در نزدیک مسجد جامع بزرگ، آرامگاه قبه دار سنجر، و نیز مسجدی دیگر وجود داشت. این دو بنا با نرده‌هایی از هم جدا شده بودند، قبه آرامگاه سنجر به رنگ آبی روشن است که از فاصله یک روزه راه دیده می‌شود. در درون دیوارهای که مسجد را فرا گرفته بود، مسجدی دیگر که در اواخر قرن ششم هجری قمری / دوازدهم میلادی بنا شده است نیز، وجود داشت.

بنای آجری دیگری که احتمالاً توسط ابو مسلم ساخته شده و بنا به گفته اصطخری مرکز اداری ایالت (شهر) بود، و حدود ۲۷/۵ متر ارتفاع و چندین رواق داشت، در زمان یاقوت وجود نداشت، این بنا نزدیک همان مسجدی بود که قبلاً ابو مسلم ساخته بود. در این زمان علاوه بر حصار که اطراف شهر وجود داشت، دیوارهای درونی دیگری نیز بود که محله‌های شهر را از یکدیگر جدا می‌کرد. مرو همچنین شهرتش را مدیون کتابخانه‌هایی بود که داشت.

مرو از اهمیت سیاسی زیادی برخوردار بود. این شهر در زمان ساسانیان مرکز مرزبانها بود. در سال ۶۵۱ میلادی یعنی سالی که مرو توسط اعراب فتح شد، یزدگرد آخرین پادشاه ساسانی، در روستایی واقع در رزبیک در نزدیکی مرو به قتل رسید. بنا به نوشته طبری یک اسقف مسیحی نسطوری جنازه او را به پای بابان، که در پایین بخش ماجان قرار داشت، برد و آنجا دفن نمود. این مسئله و برخی مسائل و حوادث دیگر نشان می‌دهد که صومعه شهر و نسطوری‌ها به نام حصار جسان (? Hespercesân) (طبری جلد دوم، ص ۱۳)، (یاقوت ج ۲، ۶۸۴، ۱۱)، در شمال سلطان قلعه بوده است، از سال ۶۵۲ م. تا زمان طاهریان، مرو به عنوان مرکز نواب خلفا باقی ماند، و از همین جا، فتح ماوراءالنهر و سازماندهی جدید آن شروع شد.

در اواسط قرن دوم هجری قمری / هشتم میلادی، مرو مرکز یک جنبش سیاسی - اجتماعی گردید که در رأس آن ابو مسلم قرار داشت. ابو مسلم امویان را از خلافت رانده، حکومت را به عباسیان واگذار کرد. در زمان طاهریان (قرن سوم هجری قمری / نهم میلادی) مرو با اینکه اهمیت اقتصادی خود را از دست نداد، ولی دیگر یک مرکز سیاسی قلمداد نمی‌شد و نیشابور جای آن را گرفت. در زمان سامانیان که مرکزشان بخارا بود، مرو هنوز هم به پیشرفت و ترقی خود ادامه می‌داد در نیمه دوم این قرن بر اثر قیامهایی که علیه سامانیان صورت گرفت، بخشی از مرو ویران گردید و از نفوسش بسیار کاسته شد (BGA, III, ۳۱۱).

در دوره سلجوقیان (قرن پنجم و ششم هجری قمری / یازدهم و دوازدهم میلادی)، مرو دوره توسعه و گسترش را می‌پیمود و سلطان سنجر ۱۱۵۷-۱۱۱۸ م. این شهر را به عنوان پایتخت خویش برگزید. در سال ۱۱۵۳ م، غزها شهر را غارت

کردند و بعد از مدت‌های زیاد، یعنی تا زمانی که این شهر جزو قلمرو و خوارزمشاهیان درآمد، شهر توانست سر و سامانی پیدا کند. در سال ۱۲۲۱ م. شهر مجدداً به دست مغولها به کلی ویران گردید. بند مرغاب، به طور کلی با خاک یکسان شد، و این واحه که زمانی بس حاصلخیز بود، به صورت دشت و بیابانی درآمد. این ویرانی که توسط مغولها صورت گرفت، به ترقی و تعالی شهر خاتمه داد و مرو اهمیت سابق خود را تنها بعد از دو قرن بازیافت. شاهرخ تیموری در سال ۱۴۰۹ م. با ایجاد تأسیسات جدید آبیاری اقدام به بنای مجدد شهر نمود. به غیر از دیوارها و حصارهای موجود شهر در قرن دوم - هفتم هجری / هشتم - سیزدهم میلادی که قبلاً از آن سخن رفت، چه چیزهای دیگری را حفظ نمود؟ در سلطان قلعه در زمینهایی که بناهای قدیمی بر روی آنها بود، تپه و تلهایی جمع گشته بود. تمامی منطقه مملو از آجرهای شکسته و سالم و نیز سفالهای معمولی و صیقلی بود. در مرکز شهر، آرامگاه سلطان سنجر که یاقوت از آن صحبت کرده است به عنوان عظمت گذشته شهر قرار داشت. این بنا که از کاملترین بناهای قرن ششم هجری / دوازدهم میلادی بود، حقیقتاً نیز از بناهای تاریخی ای است که توجه علما و دانشمندان را از هر جهت به خود جلب کرده است. در اینجا با مسئله‌ای روبرو می شویم، آیا این بنای تاریخی بنابه عقیده اصطخری با مرکز اداری که دارای قبه‌ها و رواقهای زیادی بود، ارتباطی داشت؟ مرو در زمانهای پیشین هم در درون حصارهای سلطان قلعه و هم در خارج از حصارها، بویژه در محله‌های حاشیه‌ای و کناری غرب، بناهای زیادی داشته است، ولی درباره هیچ یک از آنها، تاکنون یک بررسی جدی صورت نگرفته است. در سال ۱۴۰۹ م. شاهرخ تیموری برای تجدید حیات این منطقه که از قدیم الایام واحه‌ای حاصلخیز و پر بار بود، همت گماشت. حافظ ابرو در این خصوص اطلاعات مفصلي در اختیار ما می گذارد. بند (سد) مجدداً در همان جای سابق خود به وجود آمد؛ و با اینکه کانالهای قدیمی و قبلی دوباره گشوده شد، ولی تنها بخشی از آن زیر کشت و آبیاری رفت و شهر دوباره ساخته شد، اما چون تأمین آب به اندازه کافی برای سلطان قلعه ممکن نشد، لذا تأسیس آن در همان جای سابق ممکن نشد. در این دوره محل شهر با محل قلعه عبدالله خان (که ساخت آن بنا به روایت مردم به عبدالله خان نسبت داده می شود) تقابل پیدا کرد و مساحت آن

باتوجه به مساحت شهر در دوره مغول، بسیار کوچکتر گردید، و تقریباً زمینی به مساحت سیصد گولاج (قلاج = واحد طول معادل درازی هر دو دست) را اشغال کرد. بدین وجه مقایسه این شهر با مرو دوره مغول به هیچ وجه درست نیست. بعدها شهر و حوالیش روبرو به خرابی بیشتر نهاد، در دوره صفویان با اینکه شهر جزو قلمرو ایران بود، ولی با تهاجم پی در پی اوزبکها روبرو شد، و این مسئله بالطبع بر شهر تأثیر گذارد. در اواخر قرن هیجدهم میلادی با تخریب بند مرغاب توسط شاه مراد امیر بخارا و راندن مردم از شهر، بزرگترین و آخرین ضربه به شهر وارد آمد.